

حقایق در باره ماهیت, خواص و روشهای تشخیص

## سنگ پاد زهر



عنوان شده برای اولین بار در ایران توسط

**کانال میراث گذشتگان**



## ((سنگ های پادزهر ( مطرح شده برای اولین بار در ایران توسط میراث گذشتگان))

در این مبحث قصد داریم شما را از حقایقی که درباره سنگ پادزهر وجود دارد و در زمانهای قدیم حکما و اطبای قدیم مثل رازی و ابن سینا و بزرگان دیگر ک در کتب و مولفاتشان آورده اند و از آنها استفاده کرده اند مطرح نماییم.

اول مطالبی که در اینترنت پخش شده است را برایتان بازگو می کنیم سپس به بیان وقایع و اخباری که در کتب قدیم حکماء بدان اشاره شده است خواهیم پرداخت.

<https://telegram.me/kanzv86>

در اینترنت وقتی جستجو میکنیم این مطالب را نتیجه می بینیم:سنگ پاد زهر وقتی حرارت می بیند از خود روغنی پس میدهد که درمان کننده همه امراض خارجی و تعدادی امراض داخلی هست.

یکی از خصوصیات که این سنگ دارد و میتوان اصل آن را از بدل آن شناخت این است که وزن این سنگ هیچ وقت کم نمیشود. یعنی ممکن است شما از یک سنگ پاد زهر یک کیلوگرمی سه کیلوگرم روغن پاد زهر بگیرید ولی وزن سنگ شما همان یک کیلوگرم باقی میماند.

سنگ پاد زهر بسیار نادر است و اگر کسی این سنگ را داشته باشد مانند این است که دنیای ثروت را داشته باشد.

سنگ پادزهر به رنگ مشکی است و مانند سنگ محک طلا میماند

[.https://telegram.me/kanzv86](https://telegram.me/kanzv86)

اگر دست شما زخم شود و مقداری از روغن سنگ پاد زهر را به آن بمالید بلافاصله خوب میشود. و اگر بیماری شما درونی باشد این روغن را با داروهای دیگر مخلوط میکنند و برای امراض درونی از آن استفاده میکنند و پس از مدت کوتاهی امراض درونی را نیز خوب میکند.

از این سنگ تعداد انگشت شماری (کمتر از انگشتان یک دست) وجود داشته است که مخصوص پادشاهان بوده است و هیچ کسی بغیر از پادشاهان حق استفاده از آن را نداشته است. خوب این گوشه ای از حقایق بود و جزیی از کل بود و کل واقعیت نیست. حال در ادامه به مطالبی

که از کتب حکمای بزرگ از نسخ خطی استخراج کرده ایم می پردازیم. <https://telegram.me/kanzv86>



## حجر الفاذهر: سنگ پادزهر

رازی می گوید: پوک و سست است، به زاج یمنی می ماند، از هم می پاشد و به تراشه‌هایی تبدیل می شود، از تأثیرش دچار حیرت شدم.

ترنجی: نوعی از این سنگ [گویی] از موم، آهک و گل ساخته شده است و در آن درخشش هریک از این سه ماده وجود دارد. اگر آن را با زردچوبه در هاون بساییم، مانند خون خالص سرخ می شود.

اگر این [سنگ] را به محل گزیدگی بمالیم، همان آن [درد] را تسکین می دهد.

شاهان آن را «پادزهر» می نامیدند و با آن سرگرم می شدند. جامی از [پادزهر] گوهرنشان را نزد یکی از شاهان دیدم.

یک وقتی کسی را زنبور گزیده بود، در این جام شیر تازه ریختند و مدتی به حال خود گذاشتند، سپس این [شیر] را به او دادند تا بنوشد، نیز آن را به محل گزیدگی مالیدند. او شیر را بالا آورد، بدنش از کهیر پوشیده شد و سپس یکباره آرام گرفت.

مردمان باستان [نیز] از سنگ پادزهر نام می برند و این [نزد آنها] معدنی بود، اما خواص آن را شرح نمی دهند .

<https://telegram.me/kanzv86>

\*از فارس سنگی شبیه پادزهر می آورند و از آن دسته کارد می سازند اما هیچ سودی ندارد.

بهترین پادزهر، تریاک افعی و تریاک است که حرّانی‌ها اختراع کرده و به نام آنها مشهور است.

مؤلف النخب می گوید که معدن [پادزهر] در کرمان در کوهی به نام «زرد» واقع است و آن [چند گونه است]: سبز متمایل به رنگ چغندر، زرد، سفیدفام و سرخ فام. یکی از [گونه‌هایش] میان تهی است، در درونش ماده سفیدی به نام «مخاط الشیطان» وجود دارد که در آتش نمی سوزد .

<https://telegram.me/kanzv86>

**درباره آزمایش مرغوبیت «سنگ پادزهر» گفته شده است:** اگر آن را به صورت گرد با سرکه روی زرده تخم مرغ بریزیم و آن حل شود، پس [پادزهر] نیکوست.

نیز گفته شده است: زردچوبه را با آب روی سنگ می ساینند و سپس با پادزهر می ساینند، اگر در این عمل رنگ زرد سرخ شد، پس [پادزهر] نیکوست.

آن را روی گاه می اندازند، اگر رنگ [گاه] تغییر کرد، پس آن [از جنس] مرغوب است.

نیز آن را در روغن زیتون [غلیظ] قرار می دهند، اگر به مایع تبدیل شد، پس [پادزهر] نیکوست .

## حجر التیس - «سنگ بز»، پادزهر:

به نام «تریاک فارسی» مشهور است.

**الترنجی:** «حجر التیس» را از فارس می‌آورند. می‌گویند که آن در یکی از رودهای بز کوهی یافت می‌شود و شبیه خرما می‌نارست. اگر آن را بشکنیم، دیده می‌شود که همانند پیاز از فلس‌هایی تشکیل می‌شود که [یکدیگر] را احاطه کرده و در وسط آن به جای مغز علفی سبز قرار دارد که [با این فلس‌ها] احاطه شده است. آن را «پادزهر گوسفند» [نیز] می‌نامند. این [سنگ] را همراه با آب رازیانه به محل گزیدگی می‌مالند، همان آن درد را برطرف می‌کند و رنگ [پیشین] پوست به محل تورم باز می‌گردد.

یکی از سران برایم حکایت کرد که ماری کشنده یکی از همراهانم را گزید و او به جنگ می‌رفت و هیچ تریاکی جز این پادزهر را نیافت. او کم‌تر از یک قیراط [پادزهر] همراه با شراب به آن شخص داد تا بنوشد و سیر داد تا بخورد؛ بدنش از تاول پوشیده شد، ادرارش خون‌آلود شد و نجات یافت.

<https://telegram.me/kanzv۷۶>

پادزهر، رسوب‌های رنگارنگ کروی است که در رود جوندگان به ویژه برخی از بزهای وحشی (aegagrus) (Copro، آهو Antilope) و Dorcas) جز اینها تشکیل می‌شود. برخی از آنها دارای اکسالات یا فسفات کلسیم و منیزیم است. خواص شفابخش معجزه‌آسا به آنها نسبت می‌دادند (فرهنگ انسیکلوپدیک برکهاوز یفرن، ج ۷، ص ۳۰۱)

**دوای بواسیر:** در خراسان دو سیر دبه گوسفند و یک سیر تره را روی سنگ پادزهر مالش می‌دهند و بیست و چهار ساعت همان‌جا می‌گذارند بماند روز بعد مخلوط دبه و تره را از روی سنگ بر می‌دارند و به موضع بواسیر می‌مالند و مقداری کوهان شتر و چند کلاه بادمجان هم می‌خورند.

<https://telegram.me/kanzv۷۶>

در کل دو نوع پادزهر داریم : حیوانی - معدنی

## پادزهر حیوانی . فادزهر حیوانی:

<https://telegram.me/kanzv86>

سنگی است که در شکنجه و عل یا در زیر چشم آیل پیدا آید. حجرالآیل . گاوزه ره . گاوسنگ . جاوزه رج . اندرزا. حجرالبقر. رُوسن . حجرالتیس و در تحفه حکیم مومن آمده است : «مراد از مطلق او [ پادزهر حیوانی ] حجرالتیس است و آن سنگی است که در شیردان بز کوهی متکوّن میگردد و اکثر او طولانی مثل بلوط میباشد و بهترین او سبز مایل به سیاهی و براق و تو بر تو مثل پیاز و در جوفش چوب مخلصه میباشد و آنچه مدوّر مشاهده شود در جوفش تخم مخلصه یافت گردد و چون با سرکه بسایند مایل به سرخی باشد و نوع هندی او را سیاهی بسیار غالب بر سبزی و در جوفش پشم و سایر اخشاب یافت میشود و در خواص بسیار ضعیف تر از نوع شبانکاره شیرازیست.

فرق میان عملی و غیرعملی آن است که چون سوزنی را گرم کرده در اصلی فروبرند سر سوزن زرد شود و دودی زرد مشاهده گردد و از عملی دود سیاه . در آخر دوم گرم و در اول سیم خشک و مقوی جمیع اعضاء و مبهی و تریاق سمومات و در خواص مثل معدنی است مگر آنکه در محرورالمزاج بغایت مضر است و محرق خون ومورث التهاب و اسهال دموی و محلل اورام بارده و با آب گشنیز جهه حاره نافع وطلای او با گلاب جهه طاعون و فتوق و بواسیر و با شراب و بتنهائی جهت گزیدن هوام مفید و با آب ریحان جهت گزیدن زنبور مجرب و قدر شربتش از یک قیراط تا دوازده قیراط است و نوعی از فادزهر حیوانی حجرالایل است که از گاو کوهی گیرند و ابن جمیع گوید که بهترین فادزهرهاست و موافق جمیع امزجه است بالخاصیه و چون سه روز هر روز نیم دانگ از آن بنوشند هیچ سمی در مدت حیوه در او اثر نکند و در سایر افعال مثل فادزهر معدنیست و نوع دیگر حجرالحیه است . (تحفه حکیم مومن)



<https://telegram.me/kanzv86>

حجرالسم . و در تحفه حکیم مومن آمده است : پادزهر، اسم فارسی تریاقات است و بعربی حجرالسم نامند و مراد اطبا از او حجری است کانی و هر گاه پادزهر حیوانی استعمال نمایند مراد ازو حجرالتیس است .

مولف اختیارات بدیعی انکار معدنی نموده و متوجه آن نشده و این معنی دلیل است بر عدم مطالعه کتب معتبره .

ابن تلمیذ در مغنی گوید که معدن او برای ارسطو و غیره اقصای هند و اوایل چین است و پنج قسم می باشد سفید و زرد و سبز و اغبر و منقط .

رازی در طب ملوکی بیان فرموده که مابین زردی و سفیدی و برنگ و سمه مشاهده نموده و در رفع ضررِ بیش ، تجربه کرده .

ابن مندویه گوید که زرد مایل به سبزی و سفیدی است .

در نخب مسطور است که معدن او کرمان در کوه زرنند است و سه قسم میباشد سبز نیم رنگ و زرد مایل به سفیدی و مایل به سرخی و چیزی با او هست که در آتش نمی سوزد و آنرا مخاطالشیطان نامند و حقیر قسم سبز تیره و زرد مایل به سیاهی و زرد کاهی را مشاهده نموده است و

گویند امتحان او آن است:

۱- که زردچوبه را بر روی سنگی بسایند و بعد از آن پادزهر را هر گاه رنگ زردچوبه سرخ شود خوبست و الا فلا .

۲- گویند علامت خوبی او آن است که در آفتاب گرم عرق کند و چون سائیده بر موضع گزیده‌هافعی و مانند آن پاشند سم را بطریق رشح دفع نماید .

۳- چون قدر دو جو را با آب سائیده در گلولی افعی و مار کنند بکشد و یا به حیوانی بیش و امثال آن داده فادزهر را بدهند هر گاه از آن سم خلاص یابد خوبست و حقیر این امتحان را بهتر میدانم .

۴- در حرارت معتدل و در آخر دوم خشک و تا دوازده جو آن مقاوم جمیع سموم حیوانی و نباتی و معدنی و مداومت آن هر روز بقدر قیراطی حافظ صحت و مانع ضرر هوای وبائی و اختلاف میاه و اهویه و نگاه داشتن او مانع گزیدن هوام و موافق جمیع امزجه و مقوی دل و اعضاء رئیس و حافظ حرارت و رطوبه غریزی و مانع تعفن اخلاط و زایل کنندهمیت آن و مبهی و مقوی اعصاب و قوی و مفاصل و محلل و رادع اورام بارده و حاره و جهه خفقان بغایت مجرب است .

۵- قدر شربتیش در رفع سموم از سه نخود تا دو دانگ و در سایر خواص از یک قیراط تا یک دانگ است و گویند آشامیدن نیم دانگ از عرق او که از تابش آفتاب بهم رسد جهه ازاله خفقان فی الفور مجرب است

**روش های تشخیص اصالت پادزهر:** روایاتی شده که حجرالبازهر به رنگ‌های بسیار از جمله زرد، خاکی رنگ و مُنْگَت (خال خال) یافت

می‌شود. بازهر زرد یکدست و، پس از آن، گونه خاکی رنگ از همه بهتر است. «معدن» بازهر زرد در خراسان، هند، چین و مشرق است.

بهترین جنس آن مشرقی و خراسانی است.

آزمایش حجرالبازهر حقیقی: گذاشتن آن بر نیش کژدم آن را از کار می اندازد؛

ریختن دو جو از سوده آن با آب در دهان افعی ها و مارها، آنها را خفه می کند و می کشد.

به هر تقدیر، آنچه بیرونی، ابن بیطار، نصیرالدین طوسی و مؤلفان دیگر نقل کرده اند همه عمده‌تاً درباره گونه ها، محل جغرافیایی، خواص و شیوه های شناخت پادزهر سره از ناسره است، مثلاً به نقل از ابوریحان بیرونی، جابر بن حیان (سده دوم؛ در کتاب النخب فی الطلسمات) معدن آن را در کوه زرنند در کرمان ذکر کرده است.

اما حمزه بن حسن اصفهانی (۲۸۰-۳۶۰ ق) و نصر بن یعقوب دینوری (هم روزگار آل بویه در نیمه نخست سده چهارم) مکان آن را در اقصای هند و چین دانسته اند.

جابر چهار رنگ آن، سبز چغندری، زرد و سبز مایل به سفیدی یا سرخی و حمزه و نصر پنج رنگ، سفید و زرد و سبز و خاکی رنگ و «مُنگت» آن را شناخته اند. از این میان نصر گونه مُنگت را بهتر بر دیگر گونه ها دانسته و مقدار خوراک آن را برای مسمومان دوازده جو معین کرده است.

<https://telegram.me/kanzv86>

چند شیوه در تشخیص اصالت سنگ پادزهر وجود دارد، از جمله سوده پادزهر اصیل شیر را می بندد؛ پادزهر را بر سنگی که زردچوبه بر آن سوده باشند، بسایند: اگر رنگ زردچوبه به سرخی گراید، پادزهر اصیل و خوب است و الا، نه.

به نظر عطار بن محمد حاسب (سده سوم) سنگ پادزهر اصیل در آفتاب عرق می کند.

عموماً خاصیت اصلی پادزهر کانی را خنثی سازی همه زهرها دانسته اند، اما تیفاشی به نقل از کسانی نامشخص می گوید که فقط برای نیش کژدم سودمند است.

نصیرالدین طوسی، در تنسوخ نامه ایلخانی، که بیشتر مبتنی بر الجماهر بیرونی است، سنگ پادزهر «آزموده و مجرب» به رنگ زرد و سبز را ذکر کرده است که در ولایت آلموت یافت می شد و خوردن سوده آن، علاوه بر خاصیت پادزهری، اسهال را بازمی داشت و قوت دل می داد و پاشیدن آن بر زخم های بد و کهن آنها را التیام می داد. گفتنی است که برای سنگ پادزهر، مانند هر ماده دارویی دیگر، در طول زمان خواص درمانی دیگری نیز کشف کردند

<https://telegram.me/kanzv86>

در متون فارسی و عربی پادزهر به ماده ای اطلاق می شود که بتواند از کارکرد زهر در بدن جلوگیری کند؛ اما پزشکان هر چیزی را که عوارض زیانبار مواد دیگر را از میان می برد، پادزهر می نامیدند (ابن بیطار، ۸۱/۱؛ قس: غافقی، ۸۶/۱). از اشارات پزشکان و داروشناسان کهن می توان دریافت که آنان معمولاً داروهای مفرد ضدزهر را که به صورت طبیعی یافت می شد، پادزهر، و داروهای مرکب ضدزهر را تریاق (ه م) نامیده اند، اما تنها شمار اندکی از آنان این نکته را به تصریح آورده اند (مثلاً نک: ابن سینا، ۲۳۵/۱؛ حاجی زین عطار، ۱۱۳: «حجر التیس پادزهر

است و تریاق طبیعی خوانند؛ قس: ابن سینا، ۲۸۰/۱: «بیش میش بوحان... و هو اعظم التریاق البیش»؛ برای تکرار همین عبارات، نک: جرجانی، الاغراض...، ۶۱۶؛ ابن بیطار، ۱۳۳/۱؛ نیز قس: عقیلی، ۱۹۶: «پادزهر... اسم فارسی جنس تریاق است». این پزشکان از داروهای مفردی که خاصیت ضدزهر داشتند، معمولاً با عناوینی چون الادویة البادزهریة یاد کرده‌اند (ابن سینا، ۲۳۲/۲، ۵۰۲، ۵۲۱؛ قس: جرجانی، ذخیره...، ۶۸۵). اما اگر داروی مفردی در رفع عوارض نوع خاصی از سموم کاربرد داشت، کلمه پادزهر به نام آن سم اضافه می‌شد، مانند «الجوز بادزهر البلاذر»؛ اصل الکبر بادزهر البیش؛ و الحلتیت بادزهر السم الارمینی» (رازی، ۳۸۶/۱۹؛ نیز ابوالخیر، ۱۱۱/۱؛ ابن بیطار، ۱۳۳/۱، سطر ۹) یا «گوز پازهر بلادر است» (ابومنصور، ۶۳؛ برای تفصیل بیشتر، نک: ه. د، تریاق، نیز سم)

<https://telegram.me/kanzv86>

در آثار سنگ‌شناسی کهن از کتاب احجار منسوب به ارسطو گرفته تا جواهرنامه‌های متأخر، آثاری با عنوان عمومی «خواص» (که به بیان خواص جادویی اجسام اختصاص دارد) و نیز آثار داروشناسی مکتب اندلس و دارونامه‌های متأثر از این مکتب، برای دو نوع سنگ پادزهر (حجر البادزهر)، یکی با منشأ معدنی و دیگر حیوانی که «پادزهر همه زهرها به شمار می‌رود»، خواص و ویژگیهای غالباً شگفت‌انگیز و آمیخته با جادو یاد شده است (ابن بیطار، ۸۱/۱-۸۲؛ غافقی، همانجا؛ ابن اکفانی، ۷۵-۷۸؛ حاجی زین عطار، ۵۱، ۱۱۳؛ عقیلی، ۱۹۶-۱۹۹). اما تیفاشی بر آن است که پادزهر کانی تنها در درمان گزیدگی کزدم به کار می‌آید و همه ویژگیهای دیگر این دو نوع پادزهر را تنها به پادزهر حیوانی نسبت می‌دهد (ص ۱۱۷-۱۴۱).

در الجماهر بیرونی (و نیز در آثار گوهرشناسی فارسی که عمدتاً از این کتاب بهره برده‌اند) تنها از پادزهر کانی سخن به میان آمده است. به گفته بیرونی پیشینیان سنگ مشهور به پادزهر را از کانیها برشمرده‌اند، اما چندان به ویژگیها و نشانه‌های آن نپرداخته‌اند. به نظر بیرونی این گوهر باید برتر از گوهرهای دیگر شمرده شود، زیرا برخلاف آنها که تنها برای زینت و سرگرمی به کار می‌روند، می‌تواند جان آدمی را نجات دهد.

وی در ادامه اشارات کوتاه محمد بن زکریا رازی (احتمالاً به نقل از طب الملوکی)، ابن مندویه، و ابوالحسن طبری (ه م) و دیگران درباره برخی ویژگیهای پادزهر کانی و شیوه تشخیص اصل از بدل را یاد می‌کند، اما به خوبی پیداست که خواص شگفت‌انگیز منسوب به این سنگ را باور ندارد (ص ۳۲۳-۳۲۸؛ نک: نیشابوری، ۲۳۰-۲۳۵، که تنها برخی حکایات یا خواص شگفت‌انگیز و نیز اشاره‌ای کوتاه به پادزهر حیوانی را به گزارش بیرونی افزوده است؛ نیز نک: نصیرالدین، ۱۳۰-۱۳۱؛ ابوالقاسم، ۱۴۸-۱۴۹، که خلاصه‌ای از گزارش فارسی وی را آورده‌اند).

پزشکان برجسته ایرانی نیز چندان به گزارشهای پیشینیان درباره خواص این سنگ اعتماد نکرده‌اند و به همین لحاظ استاد آنان به سنگ پادزهر بسیار نادر است (برای نمونه‌هایی از آن، نک: رازی، ۲۸۲/۱۹، که به نقل چرک/شرک هندی به خود آویختن سنگ پادزهر را در ایمنی از مسمومیت مؤثر دانسته است؛ قس: ابن بیطار، ۸۱/۱؛ غافقی، ۸۶/۱؛ نیز نک: بیرونی، ۳۲۵، ۳۲۷، مطالبی که در این باره از یکی از آثار ابوالحسن طبری نقل کرده است)

در مآخذ به ندرت درباره ماهیت و چگونگی پدید آمدن پادزهر کانی به مطلبی برمی‌خوریم. در «آثار العلویة» اخوان الصفا، پادزهر شبمی است که بر برخی سنگها می‌نشیند، سپس در شکافهای آن نفوذ می‌کند و در این شکافها، در جایهای مخصوص و زمانی معلوم منعقد می‌گردد (رسائل...، ۱۰۴/۲).



داوود انطاکی نیز در تذکره به نقل از ارسطو این سنگ را آمیزه‌ای از جیوه و گوگرد می‌داند که رطوبت بر آن غلبه کرده، و سپس بر اثر گرما منعقد شده است (ص ۸۹). اینان معدن پادزهر کانی را کوههای واقع در مرز هندوچین، کوههای زرنند کرمان و گاه کوههای غور می‌دانستند (بیرونی، ۳۲۴؛ نیشابوری، ۲۳۱؛ نصیرالدین، ۱۳۰؛ ابوالقاسم، ۱۴۹).

تیفاشی به حضور در یکی از معادن در شمال موصل تأکید کرده است (ص ۱۱۷-۱۱۸). اما پادزهر حیوانی به نظر بیشتر آنان در بدن ایل (بز کوهی) پدید می‌آمده است. برخی به پدید آمدن این سنگ در بدن گاو کوهی، میمون و قنفذ نیز اشاره کرده‌اند. محل پیدایش این سنگ را به اختلاف چشم، قلب یا شیردان، زهره و روده و معدۀ این حیوان یا حیوانات دانسته‌اند (ابن بیطار، ۸۲/۱، با استناد به ابن جمیع؛ تیفاشی، ۱۱۹-۱۲۲؛ عقیلی، ۱۹۶؛ حکیم مؤمن، ۱۳۹). گفتنی است که قلقشندی در میان ۱۲ گوهر مورد علاقه پادشاهان که کاتبان و کارمندان دیوان باید آن را بشناسند، از سنگ پادزهر حیوانی نیز یاد کرده است.

<https://telegram.me/kanz786>

با ما همراه باشید.

